

نسیم زندگی



اسراف و تبذیر اقتصاد جامعه را به ورطه نابودی می کشاند

تجمل گرایی، پاشنه آشیل جامعه ایرانی!

حسین سروقامت*

در جهان امروز سبک زندگی (Lifestyle) بسیار مهم شمرده می شود؛ مجموعه‌ای از منش های ذاتی ما و همچنین روش هایی که برای ادامه حیات بر گزیده ایم. بحث سبک زندگی در بسیاری از سخنان رهبر

تعریف درست از یک مفهوم چند پهلو

بحث تجمل گرایی، بحث مهم و در عین حال پیچیده‌ای است. فهم این مفهوم همچون استفاده از شمشیر دولبه‌ای است که می تواند به سود یا ضرر آدمی تمام شود و منافع یا مضراتی در بر داشته باشد. لذا لازم است قبل از ورود به بحث مختصری به بیان دقیق تر مفهوم بپردازیم. در قرآن کریم به صراحت آمده است آئی رسول الهی! بگو چه کسی زینت‌های الهی را که خداوند برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ پیامبر بزرگ اسلام (ص) نیز وقتی با عرب ثروتمندی مواجه شدند که بسر و وضع درست و حساسی نداشت، از اینکه چرا چهره و لباس او نمایانگر ثروت وی نیست، ناخشنود شدند و فرمودند وقتی خداوند نعمتی به نفعدهای داد، دوست داور ث نعمتش را در او ببیند. همچنین روایت جالبی از امام صادق (ع) نقل شده است که خداوند زیبایی و تجمل را دوست دارد و از فقر و فقر نمایی متنفر است. آیا پاور پذیر است که خداوند از یک سو تجمل را دوست داشته باشد و از سوی دیگر بندگان خویش را از تجمل گرایی به حذر دارد؟

پس ماجرا چیست؟ اسلام، دین اعتدال است. هم می‌خواهد که مردم در جریان زندگی از افراط و تفریط بپرهیزند و هم به دنبال تعادل بخشی میان دنیا و آخرت است. ماجرایی که خداوند در آیه ۷۷ سوره قصص به بهترین وجه از آن حکایت کرده است: «به هر چیزی که خداوند به تو عطا کرده بکوش تا ثواب و سعادت آخرت را به دست آوری، اما بپره‌ات از نعمت‌های دنیا را هم فراموش مکن».

تجمل گراها چه می کنند؟

تجمل گراها از گرایش طبیعی و فطری به زیبایی ها و کمالات سرس یاز می زند و با زنده‌روی از آن به شکل یک بیماری روانی و ناخوارجاری رفتاری استفاده می کنند. این خصلت به مرور چنان در آنان تأثیر می گذارد که سر از اسراف و تبذیر در می آورند. گرفتار بیماری مدگرایی شده، دائماً در پی دم روز هستند. لذا هر از گاهی بدون آنکه وسایل زندگی آنان نظیر تلویزیون، فرش، یخچال، ماشین لباسشویی و... خراب شده یا از آثار فساد باشد، اقدام به تعویض آنها می کنند.

تجمل گراها با تعویض مداوم تلفن همراه، اتومبیل، خانه، ویلا و... در صدند که سری در سراها در آورده، برتری مالی خود را به رخ دیگران بکشند. سفرهای اروپا، شرکت در مهمانی های اشرافی، تهیه لوازم خانگی لوکس و قیمتی و... از دیگر اقدامات تجمل گراهاست. آنان در شکل وسواسی تر ماجرای بخشی از وسایل منزل خود را تنها به این سبب که از جهت رنگ با سایر وسایل همخوانی ندارند، کنار گذاشته و لوازم دیگری را جایگزین آنها می کنند. همین باعث می شود مناجرات فراوانی بین اعضای خانواده رخ دهد و زمینه فروپاشی بعضی خانواده‌ها فراهم شود.

اما مدل غربی تجمل گرایی از این هم مضحک تر است. در غرب انسان ها معتاد به خرید می شوند، بدون آنکه به کالایی که می خرند، نیازی داشته باشند. شاپاهولیک (shopaholic) اصطلاحی است که گفته اند، کناره‌های چنین اعتیادی وضع کرده‌اند. آنها برای اعتیاد به خرید، تئوری‌های مختلفی نیز خلق و سعی می کنند پشتوانه‌ای نظری و علمی برای آن ایجاد کنند. به عنوان مثال می گویند، برای اینکه نسبت به خودت حس خوبی داشته باشی، خرید کن. همچنین عنوان می کنند که برای مبارزه با افسردگی خرید کن. یعنی دقیقاً دست انسان ها را می گیرند و به مسیری هدایت می کنند که خطاست. آنها فکر می کنند بدین ترتیب مشکلاتشان حل می شود، در حالی که این راه‌حل موقتی است و مسئله به صورت اساسی حل نشده است.

ریشه تجمل گرایی چیست؟

در مباحث جامعه‌شناسی اخلاق برای رسیدن به معلول از علت آغاز می کنند و برای فهم سابقه و شاخه و میوه، ریشه را مورد توجه قرار می دهند. تا کنون فکر کرده‌اید علاقه به دنیا و تفاخر به آن: در برخی روایات مادوستی دنیا اشاره می کند.

تکبر و خودبیستندی: تکبر و غرور و گره زدن آن به اموال و دارایی‌هایکی از ریشه‌های تجمل گرایی است. افراد خودبستند اساساً برای دیگران ارزشی قائل نیستند و در گردونه هستی تنها خود را می بینند و پس اگر این مفسده اخلاقی با توأمندی مادی توأم شده، می‌تواند نقش استراتر (آغازکننده) را نسبت به سایر گناهان ایفا کند و آدمی را تا منجلا ب نابودی بکشاند! **علاقه به دنیا و تفاخر به آن**: در برخی روایات مادوستی دنیا سرچشمه همه بدی‌ها شمرده شده است. آنکه دنیا را مقصد و منتهای آرزوی خود می‌پندارد و در این باور موهوم به دیگران فخر می‌فرشد، از اساس راه را اشتباه رفته است. باور خویش را اصلاح کنی، بسیاری از امور دیگر اصلاح خواهند شد. نگاه الگویی جامعه به رهبران و سرمدمداران: جامعه خواه، ناخواه نیم‌نگاهی به رهبران خویش دارد. این حرف درستست است که مردم بر دین ملوک خویش هستند. پاکدستی و پاکیزگی رفتاری آنان به پاکدستی و پاکیزگی مردم می‌انجامد و تجمل، رفاه و دنیابردستی آنان این صفات را در مردم نهادینه می کند. **عقده حقارت**: احساس نقص و کاستی و کمبودهای روحی، روانی می‌تواند سرمنشأ تجمل گرایی باشد. در حقیقت تجمل گرایی نوعی مکانیسم دفاعی جهت جبران عقده‌شدن است. بسیاری از کسانی که از درون احساس نقص و کمبود می‌کنند، نگاه‌ها را به سمت لباس‌هایی با مدل‌ها و رنگ‌های متنوع، لوازم و اثاثیه‌ای فراتر از زندگی مردم عادی و اتومبیل و موبایلی برتر از سایرین می‌کشند تا با آنها تر از شخصیت خویش را بالا ببرند.

فقر فرهنگی: معمولاً کسانی به تجملات روی می‌آورند که فقر و غنا را بیرون از وجود انسان جستجو می‌کنند. آنان بر اساس دیدگاه‌های فرهنگی خویش و اغلب به خاطر چشم و هم‌چشمی گمان می‌کنند که کمال در تجمل گرایی و مصرف بی‌رویه و ریخت و پاش است. الگوهای فرهنگی آنان کسانی هستند که اهل اسرافند و این دور باطل هیچگاه توقف ندارد. از این رو چنین گرایشی زایدی و دائمی خواهد بود.

سرمدمداران، روش‌ها و الگوسازی ها

سرمدمداران، دولتمردان و دانشمندان از آن جهت که چشم مردم به رفتار و کردار آنان دوخته و اسوه و پشاش و رفازدگی است. تجمل گرایی می‌شوند، درباره پرهیز از تجمل گرایی وظیفه

سنجین تری دارند.

اگر سرمدمداران به سادگی روی آورند و زندگی خود را منطبق با متون دینی ما با زندگی ضعیف‌ترین افراد جامعه تطبیق دهند، تجمل رنج و سختی بر مردم آسان تر شده و مقبولیت و محبوبیت آنان نیز تضمین می‌شود. اما اگر در سبک زندگی با

مردم کوچک و بازار فاصله گرفته، به زندگی اشرافی روی آورند، هم پایگاه و اعتبار خود را در جامعه از دست می‌دهند و هم حاکمیت را با خطر زوال و پوسیدگی مواجه می‌کنند. استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب «حق و باطل» به سیره عملی آیت‌الله وحید بهبهانی اشاره کرده و نوشته است که روزی مرحوم وحید مگر سرعوش را دید که جامه‌های فاخر پوشیده است. درباره این سبک پوشش به پرسش اعتراض کرد که چرا برای همسرت چنین لباسی می‌خری؟ پسرش به آیه ۳۲ سوره اعراف که در صدر این مقال به آن اشاره شد، استناد کرد و از پدر پرسید مگر اینها حرام است؟ لباس فاخر و زیبارا چه کسی حرام کرده است؟

پاسخ آیت‌الله وحید بهبهانی شنیدنی است: «من مرج تقلید و پیشوای این مردم هستم. ما که نمی‌توانیم لباسی را که خردمان می‌پوشیم، برای مردم هم تهیه کنیم ولی یک کار از ما ساخته است و آن همدردی کردن با نه‌است. آنها چشمشان به ماست، یک مرد فقیر وقتی زرش از او لباس فاخر مطالبه می‌کند، مایه تسکین خاطر ی دارد او می‌گوید گیرم ما مثل ثروتمندها نیستیم، اما می‌توانیم مثل اهل خانه آقای وحید زندگی کنیم. وای به روزی که این نگاه مایه تسلی خاطر و کمک روحی فقرا هم از دست برود. روزی که دیگران توانستند لباس فاخر بپوشند، ما هم لباس فاخر می‌پوشیم. این وظیفه همدردی برای همه است، ولی برای پیشوایان امت بیشتر و دقیق تر است.» روایت عجیبی نیز از امام باقر (ع) در خصوص شیوه حکومتی حضرت علی(ع) وارد شده که حقیقتاً موجب شگفتی است: «حضرت علی(ع) پنج سال زمامداری کرد و طی این مدت به نفع خود، اجری روی آجری نهد. خشمش روی خمد نگذاشت. ساختمانی برای خود ساخت. گله گوسفندی تهیه نکرد و هیچ چیز از مال دنیا به ارث نگذاشت.

امداد تا سقف است اگر نام امیر مؤمنان علی (ع) میان آحاد مردم به عظمت و بزرگی می‌برد، اما در سطوح عالی با میانی مسئولان نظام از پایی از این نوع سلوک دیده نشود. از این رو گفته شده است که حاکم جامعه باید از برخی کارهای مشروع نیز همچون تجمل گرایی، دنیا دوستی، لذت گرایی، حب جاه و مقام، بپرهیز کند.

بیامدهای ناگوار تجمل گرایی

تجمل گرایی در مقابل صرفه جویی است. صرفه جویی نیز به مفهوم مصرف نکردن نیست، بلکه به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال و

مصرف را کارآمد و نمریخش کردن است.

در مقابل تجمل، خروج از اعتدال و گرایش به اسراف و تبذیر و تمایل به ریخت و پشاش و رفازدگی است. تجمل گرایی بیشترین آسیب را به اقتصاد خانواده وارد می‌کند و باعث غرق شدن در دریای لذایذ دنیوی، دور شدن از معنویات و طغیان و سرکشی انسان می‌شود.

کسانی که شیفته و مجذوب ثروت و سرمایه می‌شوند، تمام توان خود را صرف زرق و برق دنیا می‌کنند. در قاموس آنان مفاهیم ارزشی مثل زهد، تقوا، سادگزیستی، انفاق، ایثار و...



سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱



تجمل گراها با تعویض مداوم تلفن همراه، اتومبیل، خانه، ویلا و... در صدند که سری در سراها در آورده، برتری مالی خود را به رخ دیگران بکشند. سفرهای اروپایی، شرکت در مهمانی های اشرافی، تهیه لوازم خانگی لوکس و قیمتی و... از دیگر اقدامات تجمل گراهاست. آنان در شکل وسواسی تر ماجرا بخشی از وسایل منزل خود را تنها به این سبب که از جهت رنگ با سایر وسایل همخوانی ندارند، کنار گذاشته و لوازم دیگری را جایگزین آنها می‌کنند. اما مدل غربی تجمل گرایی از این هم مضحک تر است. آنان برای اعتیاد به خرید، تئوری‌های مختلفی خلق کرده، سعی می‌کنند پشتوانه‌ای نظری و علمی برای آن ایجاد کنند. به عنوان مثال می‌گویند برای اینکه نسبت به خودت حس خوبی داشته باشی، خرید کن. همچنین عنوان می‌کنند که برای مبارزه با افسردگی خرید کن

سؤالات را مطرح می‌کنیم و به بررسی پاسخ می‌پردازیم. تا کنون به ۱۸ سؤال پرداخته‌ایم، واما پرسش نوزدهم: «تجمل گرایی چیست؟ بداست؟ خوب است؟ چقدرش بد است؟ چقدرش خوب است؟ چه کار کنیم که از حد خوب فراتر نرود، به حد بد نرسد؟»

هیچ جایگاهی ندارد. در زمین مستعد تجمل گرایی گناهانی همچون غرور، حسد، تکبر، توری، شهوت پرستی و بی‌عفتی مثل قارچ رشد می‌کنند. گروهی به خاطر سرمایه و امکانات فراوان به شهوترانی می‌پردازند و از هر چمن گلی برمی‌دارند و در مقابل عده زیادی از انسان‌های فقیر و بی‌بضاعت، به خاطر اینکه در بازار تجمل گرایی و رقابت از قافله، فاطلب می‌گذارند. نمائند، شرف و حیثیت خویش را به تاراج می‌گذارند همچنین تجمل گرایی آدمی را از شان انسانی خود دور می‌کند و به انحطاط اجتماعی می‌کشاند.

این خلدون تاریخ‌نگار جامعه‌شناس عرب مسلمان درباره تأثیر تجمل گرایی می‌گوید: «تجمل خواهی و اعیان‌منشی مایه بدبختی و انقراض جوامع است. جوامع هر اندازه بیشتر در تجمل خواهی و اعیان‌منشی فرو روند، به همان اندازه به مرز سقوط نزدیک‌تری می‌شوند. روند سقوط به این صورت است که اسراف و تجمل طلبی به تدریج سبب فقر و تهیدستی جوامع و حکومت‌ها شده و هر اندازه، تجمل و اسراف زیاد شود، به همان اندازه تهیدستی نیز افزایش می‌یابد تا جایی که ثروت موجود، دیگر چولچرگی‌تر و تبذیر نخواهد بود. بدین ترتیب گروهی که به این کار عادت کرده‌اند به تدریج ضعیف و زبون می‌شوند و تا مرز نابودی پیش می‌روند.» اگر کشوری به این شرایط مبتلا شود، روز به ضعف و سستی نهاده و به وابستگی اقتصادی مبتلا می‌شود. مغرب را می‌توان به شدت در گروه می‌دهند و چارهای جز تعطیلی نخواهند داشت. در مقابل بازار مصرف لوازم گران قیمت خارجی رونق گرفته و در واقع سند بردگی مردم امضا می‌شود.

روش‌های ساماندهی و اصلاح تجمل گرایی

پاکیزگی و رفتار درست حاکمان، سرمدمداران، دانشمندان و گروه‌های مرجع، مردم از سرمدمداران و مسئولان جامعه تأثیر می‌پذیرند. اگر آنان زندگی اشرافی داشته

باشند، مردم نیز ناخودآگاه به آن سو کشیده می‌شوند. **اصلاح نهاد خانواده** از **ارزش‌های حاکم بر آن**، برای دانشمندان و گروه‌های مرجع، مردم از سرمدمداران و مسئولان جامعه تأثیر می‌پذیرند. اگر مردم از ارزش‌های اشرافی داشته

باشند، مردم نیز ناخودآگاه به آن سو کشیده می‌شوند. **اصلاح هر نهاد خانواد**ه از **ارزش‌های حاکم بر آن**، برای معمولیان است که آموزش هنگام کودکی چون نقشی که بر سنگ حک می‌شود، هرگز محو نخواهد شد. فرهنگ حاکم بر خانواده باید مبتنی بر این آموزه مهم باشد که هر اندازه نیاز شخصی است، باید استفاده شود و مازاد آن، به سمت گروه‌های نیازمند سوق داده شود.

ایفای نقش اساسی از سوی آموزش و پرورش: آموزش صحیح و نقش کارآمد آن در دوره‌های گوناگون تحصیلی انکارناپذیر است. اساساً آموزش از جمله عناصری است که در هزینه‌ای که برای آن صورت پذیرد، برمی‌گردد. کشورهای مختلف دنیا، از این رهگذر خدما ت ارشمنده‌ی به افراد جامعه خویش کرده‌اند. به عنوان مثال کشور فنلاند، ۶۰ مهارت مهم را در نظر گرفته که بایستی در دوره تحصیلات دانش آموزان به آنان آموخته شود.

مسئولیت پذیری رسانه ملی و سایر رسانه‌ها در انتقال تعالیم ارزشی: اغلب فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی در تهران فیلمبرداری و ضبط می‌شود. هنرپیشه‌ها در اکثر فیلم‌ها اتومبیل‌های لوکس سواری می‌شوند و در خانه‌های مرفه زندگی می‌کنند. زندگی اقشار ضعیف جامعه که اتفاقاً اغلب افراد اجتماع را تشکیل می‌دهند، معمولاً به تصویر کشیده نمی‌شود. رسانه ملی به حق دانشگاه است، اما مع الأسف نقش اساسی خود را در این زمینه ایفا نمی‌کند.

کارآمدی شبکه‌های اجتماعی: امروزه نقش اینترنت و فضای مجازی در الگوسازی نو جوانان و جوانان نقش بسیار برجسته و پرنرنگی است. شبکه‌های اجتماعی شمشیر دولبه‌ای هستند که اگر به درستی از آنها استفاده شود، تأثیر گذاری فوق‌العاده‌ای دارند و اگر استفاده نادرست از آنها صورت پذیرد، تبع دین در کف زندگی مست است. نابود می‌کند و اصلاح نمی‌کند!

*** عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی**

سبک رفتار



مدگرایی، فرهنگ برهنگی یا برهنگی فرهنگی؟

اندام‌های نوگرا و عقل‌های کهنه‌گرا!

میعاد صمیمی سرشکی

انسان با قدرت تخیل و توانایی‌های ذهنی خود همیشه موجب تعجب می‌شود و گاهی این تعجب‌ها شادی آور و مفید و گاهی هم تلخ و آسیب‌رسان هستند. تنوع طلبی انسان یکی از محصولات متعدد تخیلات است. اگر این تنوع طلبی مدبریت نشود می‌تواند از حد طبیعی فراتر رفته و زندگی انسان را به سمت پر تگاه ببرد؛ چرا که تنوع طلبی افراطی به مدگرایی افراطی ختم می‌شود و مدگرایی افراطی نیز نتیجه‌ای جز عدم رضایت به همراه ندارد.

پیشتر، مدگرایی عموماً فقط مخصوص یک گروه سنی خاص و به طور معمول بین گستره سنی ۲۰ تا ۴۰ سال بود اما این روزها دیگر مدگرایی هیچ محدودیت سنی ندارد. مدگرایی نیز مانند تمامی زمینه‌ها هم دارای ابعاد مفید و مثبت و هم دارای ابعاد مخرب و منفی است. اما جامعه ما به طور افراطی درگیر بخش منفی و مخرب آن شده است. این نوع از مدگرایی به طور قطع عقب‌ماندگی و کهنه‌اندیشی است، چون تعویض سالانه وسایل زندگی، تعویض سالانه تلفن‌های همراه، بیشتر شدن تعداد لباس‌ها نسبت به کتاب‌ها و هزار و یک جنبه ظاهری به طور قطع معنی به روز بودن و مدگرایی نمی‌دهد، بلکه بیانگر ضعف منطق و کهنه‌اندیشی است.

اساس فرهنگ و طبع اجتماعی آنها بوده و با هر تغییری قصد تقویت خلاقیت خود را دارند. حتی با تبادل فرهنگی و استفاده از فرهنگ کشورهای دیگر می‌خواهند پلی میان خود و دیگران برقرار کنند اما این ماجرا در جامعه ما وارونه است. نوجوانان فقط می‌خواهند تقلید کنند و به دنبال تبادل فرهنگی نیستند، چون فقط پوشش دیگران را تقلید می‌کنند و هم‌رنگ آنها می‌شوند. نیاز کودکان بر تربیت آنها تأثیر مثبت می‌گذارد. از افراد هنرمند مبدع پوشش ایرانی به چشم نباید تصور می‌کنند کودک دچار عقده نمی‌شود، اما روش تربیتی، اشتباه‌ترین راه است. کودکی که به تمامی خواسته‌های غیرمنطقی‌اش پاسخ داده شده یاد می‌گیرد نباید برای چیزی صبر کند و نباید به خوب و بد بودن و یا به قایده و ضرع خواسته خود توجه کند. او یاد می‌گیرد هر چیزی که دیگران را ند را باید داشته باشد و این گونه به روز خواهد شد. او یسادی می‌گیرد و والدین مسئول رفح نیازهای می هستند و تا باید باید برای تأمین خواسته‌های سه روز و جدید من تلاش کنند. والدین هم فکر می‌کنند کودک آنها به روز و تکمیل شده است. اما درحقیقت فرزندگی توجیه دیگر مولچرگی‌ها و تبذیر نخواهد بود. بدین ترتیب گروهی که به این کار عادت کرده‌اند به تدریج ضعیف و زبون می‌شوند و تا مرز نابودی پیش می‌روند.» اگر کشوری به این شرایط مبتلا شود، روز به ضعف و سستی نهاده و به وابستگی اقتصادی مبتلا می‌شود. مغرب را می‌توان به شدت در گروه سنی نوجوان مشاهده کرد. لباس‌های عجیب و غریب و بی‌ربط به فرهنگ اصیل ایرانی، دایره واژگان دور از ادب، استفاده بی‌دلیل و بی‌ربط از واژگان بیگانه در جایی که جای آنها نیست، گرایش‌های افراطی و حتی استعمال دخانیات بخشی از این مدگرایی افراطی هستند. آنها فکر می‌کنند همین که در گوشه‌ای از یک کافه تریاک بنشینند و سیگاری بر لب داشته باشند یعنی مدرن شده‌اند و از جهان چیزی کم ندارند. در صورتی که در برخی جوامع پیشرفته با رو به پیشرفت از مدگرایی برای تقویت صنعت پوشاک، هنر و طراحی استفاده می‌کنند و در پس هر یک از تغییرات آنها کلسی پژوهش و مطالعه قرار داد. مدگرایی این جوامع در پوشاک بر

حساب نمی‌آید. مدگرایی، به روز بودن فقط در ظاهر نیست بلکه تا پطن امر را به روز نکنی تا ابد کهنه‌ترین آدم روی زمین هستی. نمی‌گویم لباس نو پوشیدن یا استفاده از وسایل نو افراطی و بد است بلکه می‌گویم اگر به معنای واقعی می‌خواهی به روز باشی پس ابتدا باید دلیل مدگرایی خود را مشخص کنی و فایده آن را برای سبک زندگی‌ات بدانی. این آگاه‌شدن تنها با مطالعه میسر می‌شود. نمی‌گویم ظاهر زندگی باید عادی و بی‌مزه باشد بلکه باید ظاهر زندگی آدم به مزاج باطنش خوش بیاید. اگر انقدر توانایی مالی داری که هر ماه دهها کلام لباس نو برای خود بگیری پس لطفاً، خواهشا و در کمال احترام کمی هم خیرت به دیگران برسد و باطن خود را هم جلا بده. کمی از دارایی‌ات را خرج کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست کن.

ختم کلام اینکه مدگرایی اگر بر اساس خرد جمعی باشد باعث پیشرفت جامعه خواهد شد. مدگرایی فقط در یک فرد تعریف نمی‌شود، بلکه طبق معیارهای جهانی مدگرایی باید در اکثر جامعه به چشم بخورد و اکثر جامعه نسبت به ملاک‌های آن اطلاعات کافی داشته باشند. مدگرایی ما شده است چشم و هم‌چشمی و تقلید از یکدیگر. کاش کمی فکر کنیم که آگاهی در تقلید نیست بلکه در آموزش درست و متناسب با فرهنگ است.

مدگرایی مخرب را می‌توان به

شدت در گروه سنی نو جوان

مشاهده کرد. لباس‌های عجیب و

غریب و بی‌ربط به فرهنگ اصیل

ایرانی، استفاده بی‌دلیل و بی‌ربط

از واژگان بیگانه در جایی که

جای آنها نیست و حتی استعمال

دخانیات بخشی از این مدگرایی

افراطی است. آنها فکر می‌کنند

همین که در گوشه‌ای از یک

کافه تریاک بنشینند و سیگاری

بر لب داشته باشند یعنی

مدرن شده‌اند. نو جوانان فقط

می‌خواهند تقلید کنند و به دنبال

تبادل فرهنگ نیستند به همین

دلیل پوشش دیگران را تقلید

کرده و هم رنگ آنها می‌شوند